



# مدل سازی ساختاری تفسیری مؤلفه‌های حکمرانی خوب

مصطفی حیدری هراتمه\*<sup>۱</sup>

## چکیده

حکمرانی جایگاه محوری در گفتمان‌های اخیر مدیریت عمومی و سیاست عمومی دارد. حکمرانی دارای تاریخچه مفهومی طولانی است که شامل معانی چندوجهی می‌شود و به‌عنوان همتای جایگزین برای «مدیریت بخش عمومی» و «رهبری بخش عمومی» عمل می‌کند. حکمرانی در علوم مدیریت و در گفتمان سیاست عمومی آکادمیک به دلیل چندبنيانی بودن، محبوبیت زیادی پیدا کرده است. اگرچه علاقه و تمایل به مفهوم حکمرانی در طول دو دهه اخیر به شدت افزایش یافته، اما اصطلاح جدیدی نیست و دارای تاریخ و تمدنی طولانی است. از این‌رو هدف مطالعه حاضر، مدل‌سازی ساختاری تفسیری مؤلفه‌های حکمرانی خوب براساس برنامه توسعه سازمان ملل متحد در نظر گرفته شده یا به عبارتی طرح‌واره مؤلفه‌های حکمرانی خوب چگونه است؟ نوع تحقیق، کاربردی است که با استفاده از روش کیفی انجام شده و با بهره‌گیری از تحلیلی نوین

۱. دانشیار گروه اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق، نراق، ایران (نویسنده مسئول) heidarimu@yahoo.com





با عنوان «مدل‌سازی ساختاری تفسیری، روابط بین مجموعه مؤلفه‌ها» تعیین شده است. بعد از تعیین ماتریس و ترسیم خطوط مرزی، مؤلفه‌ها براساس میزان نفوذ و وابستگی مشخص و دسته‌بندی شدند. براساس میزان نفوذ و وابستگی آنها، هیچ مؤلفه‌ای به‌عنوان مؤلفه مستقل، وابسته و خودمختار شناخته نشد، تنها مؤلفه «کنترل فساد» به‌عنوان مؤلفه پیوندی تعیین شد. یافته‌ها حاکی از این بود که حکمرانی خوب در سایه کنترل فساد تحقق پیدا می‌کند که علاوه بر اینکه با مبانی نظری سازگار است، با عالم واقع نیز کاملاً مطابقت دارد. این یافته کلیدی در راستای جمله تاریخی و ماندگار مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) است که فرمودند: «با دستمال کثیف نمی‌شود شیشه را پاک کرد». درنهایت می‌توان با قاطعیت تصریح کرد که با کنترل فساد، حکمرانی خوب و مؤلفه‌های آن امکان‌پذیر است.

### کلیدواژه‌ها:

حکمرانی خوب، کنترل فساد، مدیریت عمومی، مدل‌سازی ساختاری تفسیری

## ۱. مقدمه و بیان مسئله

اگرچه علاقه و تمایل به مفهوم حکمرانی در طول دو دهه اخیر به شدت افزایش یافته است، اما اصطلاح جدیدی نیست، بلکه دارای تاریخ و تمدنی طولانی است. به عنوان یک مفهوم، حکمرانی با تاریخ بسیار طولانی حکمرانی، حکومت/دولت، ساختارهای قدرت و سلطه همراه است. امروز حکمرانی نه تنها مرحله کانونی گفتمان توسعه را به خود اختصاص داده بلکه به عنوان یک مؤلفه اساسی در سیاست توسعه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه گنجانده شده است؛ بنابراین به رغم اهمیت فزاینده‌ای که حکمرانی برای محققان، کارگزاران توسعه، سیاست‌گذاران، دولتمردان و آژانس‌های حمایتی بین‌المللی دارد، تا یک «محصول نهایی» فاصله زیادی دارد (ویرتانن<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۶)؛ با این حال مفهومی پویا و قابل بررسی تحلیلی و نظام‌مند است.

اخیراً واژه‌های «حکمرانی»<sup>۲</sup> و «حکمرانی خوب»<sup>۳</sup> به طور فزاینده‌ای در ادبیات توسعه استفاده می‌شوند. حکمرانی بد به طور فزاینده‌ای به عنوان یکی از علل اصلی همه فسادها در جوامع در نظر گرفته می‌شود. حمایت‌کنندگان بزرگ و مؤسسات مالی بین‌المللی تا حد زیادی کمک‌ها و وام‌های خود را به انجام اصلاحاتی که «حکمرانی خوب» را تضمین کند، مشروط می‌کنند. اگرچه در برخی ادبیات مدیریتی واژه حکمرانی خوب به معنای دولت خوب رایج تعریف می‌شود، اما در واقعیت چنین نیست، چون حکمرانی خوب هم‌تراز دولت خوب نیست با این استدلال که همه نهادها و ارگان‌های حکمرانی در کشورها در دولت و قوه مجریه متمرکز نمی‌شوند، بلکه نهادهای متعدد دیگری وجود دارند که علاوه بر قوه مجریه و دولت، در جامعه ایفای نقش می‌کنند. اسمیت معتقد است حکمرانی تنها شامل حکومت یا دولت نمی‌شود بلکه بخش خصوصی و جامعه مدنی (افراد و گروه‌ها) را نیز دربر می‌گیرد (تی هانن،<sup>۴</sup> ۲۰۰۴).

اگرچه وجود دولت خوب شرط الزام حکمرانی خوب است، اما شرط کافی نیست. حکمرانی

۱. Virtanen

۲. Governance

۳. Good Governance

۴. Tiihonen



خوب نتیجه تعامل و کارکرد همه نهادهای حکمرانی در تمام قوای یک کشور است. حکمرانی خوب کلید دستیابی به توسعه پایدار و رفاه انسانی تلقی می‌شود. مطالعات تجربی نشان می‌دهند که حکمرانی خوب، برخلاف دموکراسی‌سازی، تأثیرات مثبت قوی بر معیارهای اعتماد اجتماعی، رضایت از زندگی، صلح و مشروعیت سیاسی دارد. مطالعات حکمرانی خوب ارزیابی‌های زندگی را یا به‌طور مستقیم بهبود می‌بخشد، زیرا مردم از زندگی در بستر یک دولت خوب خوشحال‌ترند یا به‌طور غیرمستقیم، به این دلیل که حکمرانی خوب مردم را قادر می‌سازد به سطوح بالاتری از هر چیز دیگری دست یابند که به‌طور مستقیم برای سلامتی آنها مهم است. این به‌ویژه به کنترل فساد مربوط می‌شود که نشان می‌دهد به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر رفاه تأثیر می‌گذارد. فقدان فساد اغلب باعث افزایش کارایی بنگاه‌های دولتی و خصوصی و در نتیجه ایجاد شرایط مطلوب برای رشد اقتصادی می‌شود. همچنین شواهدی وجود دارد که سطوح بالاتر اعتماد عمومی و خاص، شادی افراد را حتی فراتر از درآمدهای بالاتر افزایش می‌دهد (مونجی، پپیدی و آلینا،<sup>۱</sup> ۲۰۱۵). تغییرات در کیفیت ارائه خدمات دولتی به ارزیابی زندگی شهروندان کمک می‌کند (هلیول<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۸). حکمرانی خوب با مبارزه با فساد ارتباط تنگاتنگی دارد. بر این اساس، برخی از اصول اصلی حکمرانی خوب، اصول مبارزه با فساد نیز هستند.

ادبیات حکمرانی خوب را با سیستم‌های سیاسی شناسایی می‌کنند که عبارت‌اند از: مشارکت؛ مطابق با حاکمیت قانون؛ شفافیت؛ پاسخگویی؛ اجماع‌گرا؛ عادلانه و فراگیر، مؤثر و کارآمد (روتشتاین بو و آیشا واریچ،<sup>۳</sup> ۲۰۱۷). درک کیفیت ضعیف دولت، از جمله حکومت استبدادی، فساد و رکود اقتصادی بر اینکه مردم رأی می‌دهند و در فرایند سیاسی مشارکت می‌کنند، تأثیر می‌گذارد. رابی و تئورل<sup>۴</sup> (۲۰۱۰) نشان می‌دهند که معیارهای حکمرانی

1. Mongio, Pipidi & Alina
2. Helliwell
3. Rothstein Beau & Aisha Waraich
4. Roby & Teorel





خوب در پیش‌بینی فقدان درگیری‌های خشونت‌آمیز بین‌دولتی قوی‌تر از اقدامات برای دموکراسی است و لاپونت و روتشتاین<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) نتایج مشابهی را برای جنگ‌های داخلی ارائه می‌کنند. گیلی<sup>۲</sup> (۲۰۰۶) حتی نشان می‌دهد که «حکومت عمومی (ترکیبی از حاکمیت قانون، کنترل فساد و اثربخشی دولت) اهمیت زیاد و حتی فراگیر در ارزیابی شهروندان جهانی از دولت‌ها دارد». او همچنین بیان می‌کند که این متغیرهای حکمرانی نسبت به متغیرهایی که حقوق دموکراتیک و دستاوردهای رفاهی را اندازه‌گیری می‌کنند، تأثیر قوی‌تری بر مشروعیت سیاسی دارند.

با مرور بسیاری از مشکلاتی که اکنون نظام بودجه‌بندی کشور با آن مواجه است، نظیر بی‌عدالتی و توزیع نابرابر منابع و امکانات، عدم پاسخگویی دولت، بی‌ثباتی سیاسی بالقوه، ناکارآمدی و ناکارایی اقدامات دولت و نارضایتی مردم از کالا و خدمات ارائه‌شده، بی‌قانونی و حاکمیت رابطه بر ضابطه، فساد سازمان‌یافته، پارتی‌بازی، رشوه‌خواری و اختلاس‌های هزاران میلیاردی، بخش خصوصی ضعیف و فاقد قدرت رقابت با نهادهای دولتی، شبه‌دولتی یا شبه‌خصوصی، شاخص‌های حکمرانی خوب در ذهن متجلی می‌شوند. با مشاهده گزارش نهادهای معتبر بین‌المللی، مانند بانک جهانی، مشخص می‌شود که ایران از حیث شاخص‌های حکمرانی خوب وضعیت مناسبی ندارد. نگاهی گذرا به این وضعیت نه‌چندان مطلوب، این واقعیت را آشکار می‌سازد که سر راه استقرار حکمرانی خوب، موانع عمده‌ای وجود دارد.

در نهایت به‌رغم مطالعات متعدد در موضوع حکمرانی و بررسی آن با سایر مؤلفه‌های اقتصادی، حقوقی، سیاسی، فرهنگی و جامعه‌شناختی، هنوز تا رسیدن به یک الگوی مناسب فاصله زیادی وجود دارد و نیازمند مطالعات بیشتر در این زمینه خواهد بود. بنابراین مطالعه حاضر به دنبال تحقق و رسیدن به چنین مهمی است و ضمن تقلیل فاصله مطالعاتی و دانشی موجود با وضعیت

---

۱. Lapointe & Rothstein

۲. Gilly





مطلوب می‌تواند به افزایش ادبیات آن کمک کند. از این رو این مطالعه سعی دارد به ساده‌ترین شکل ممکن توضیح دهد که «حکمرانی» و «حکمرانی خوب» چیست. همچنین با استفاده از تحلیلی نوین با عنوان «مدل‌سازی ساختاری تفسیری»، روابط بین مجموعه مؤلفه‌های حکمرانی تعیین شود.

## ۲. مفهوم‌شناسی پژوهش

### ۲-۱. مبانی نظری

#### الف) حکمرانی

مفهوم «حکمرانی» چیز جدیدی نیست و قدمت آن به اندازه تمدن بشری است. به زبان ساده «حکمرانی» به معنای فرایند تصمیم‌گیری و فرایندی است که با آن تصمیم‌ها اجرا می‌شوند (یا اجرا نمی‌شوند). حکمرانی را می‌توان در زمینه‌های مختلفی مانند حاکمیت شرکتی، حاکمیت بین‌المللی، حاکمیت ملی و حاکمیت محلی استفاده کرد. از آنجا که حکمرانی فرایند تصمیم‌گیری و فرایندی است که تصمیم‌ها از طریق آن اجرا می‌شوند، تجزیه و تحلیل حکمرانی بر کنشگران یا بازیگران رسمی و غیررسمی درگیر در تصمیم‌گیری و اجرای تصمیم‌های اتخاذ شده و ساختارهای رسمی و غیررسمی که برای رسیدن به تصمیم و اجرای آن تنظیم شده‌اند، متمرکز است. دولت یکی از کنشگران یا بازیگران حکمرانی است. سایر کنشگران یا بازیگران درگیر در حکمرانی بسته به سطح دولتی که مورد بحث است، متفاوت‌اند. برای مثال، در مناطق روستایی، کنشگران یا بازیگران دیگر ممکن است شامل اربابان بانفوذ زمین، انجمن‌های کشاورزان دهقانی، تعاونی‌ها، سازمان‌های غیردولتی یا مردم‌نهاد، مؤسسات تحقیقاتی، رهبران مذهبی، نهادهای مالی احزاب سیاسی، ارتش و غیره باشند (امینوزامان، ۲۰۱۰: ۱۹). وضعیت در مناطق شهری بسیار پیچیده‌تر است. شکل ۱ ارتباطات متقابل بین کنشگران یا بازیگران درگیر در حکمرانی شهری را نشان می‌دهد. در سطح ملی، علاوه بر کنشگران یا بازیگران فوق، رسانه‌ها، لابی‌گران، کمک‌کنندگان

بین‌المللی، شرکت‌های چندملیتی و غیره ممکن است در تصمیم‌گیری یا تأثیرگذاری بر فرایند تصمیم‌گیری نقش داشته باشند. همه کنشگران یا بازیگران غیر از دولت و ارتش کنار هم به‌عنوان بخشی از «جامعه مدنی» گروه‌بندی می‌شوند (ریچاردز و اسمیت،<sup>۱</sup> ۲۰۰۲). در برخی کشورها علاوه بر جامعه مدنی، سندیکاها، جرایم سازمان‌یافته نیز بر تصمیم‌گیری، به‌ویژه در مناطق شهری و در سطح ملی تأثیر می‌گذارند. به همین ترتیب ساختارهای رسمی دولتی ابزاری هستند که از طریق آنها تصمیم‌ها گرفته و اجرا می‌شوند. در سطح ملی، ساختارهای تصمیم‌گیری غیررسمی مانند «کابینه سایه یا حلقه خاص»<sup>۲</sup> یا مشاوران غیررسمی ممکن است وجود داشته باشند. در مناطق شهری، سندیکای جرایم سازمان‌یافته مانند «مافیای زمین» ممکن است بر تصمیم‌گیری تأثیر بگذارد. در برخی مناطق روستایی، خانواده‌های قدرتمند محلی ممکن است تصمیم‌گیری کنند یا بر آن تأثیر بگذارند. چنین تصمیم‌گیری غیررسمی اغلب نتیجه اعمال و افعال فاسد است یا منجر به اعمال فاسد می‌شود (بورگون،<sup>۳</sup> ۲۰۱۱).

### ب) حکمرانی خوب و اصول آن

حکمرانی خوب براساس برنامه توسعه سازمان ملل متحد ۸ مؤلفه عمده دارد: «مشارکت، اجماع‌محوری، پاسخگو بودن، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، اثربخش و کارآمد، عادلانه، فراگیر و همگانی، پیروی از حاکمیت قانون».<sup>۴</sup> حکمرانی خوب این اطمینان را می‌دهد که فساد به حداقل می‌رسد، نظرهای اقلیت‌ها در نظر گرفته می‌شود و صدای آسیب‌پذیرترین افراد جامعه در تصمیم‌گیری شنیده می‌شود. همچنین پاسخگوی نیازهای حال و آینده جامعه است. پس حکمرانی خوب تلاشی برای حاکمیت قانون، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، مشارکت، برابری، کارایی، اثربخشی،

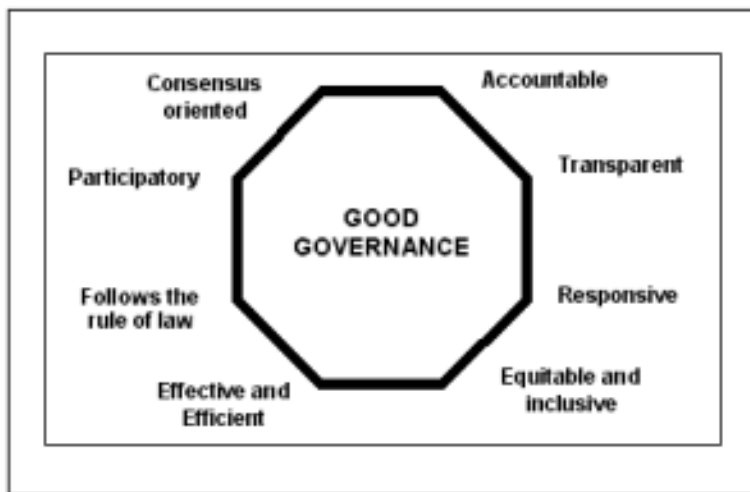
۱. Richards & Smith

۲. Kitchen Cabinets

۳. Bourgon

۴. Consensus Oriented, Accountable, Transparent, Responsive, Effective and Efficient, Equitable and Inclusive and Follows the Rule of law

پاسخگویی و دیدگاه راهبردی در اعمال اقتدار سیاسی، اقتصادی و اداری است.



شکل ۱: مؤلفه‌های حکمرانی خوب

### اصل اول: مشارکت

هر حکومتی فارغ از نوع و محتوا، به منظور اداره امور اجتماع نیازمند مشارکت عمومی است و هیچ حکومتی بدون مشارکت مردم قادر به اداره امور خویش نخواهد بود. مشارکت مردان و زنان سنگ بنای حکمرانی خوب است. در حکومت اسلامی با توجه به منابع دینی، مشارکت فعالانه مردم در اداره حکومت اسلامی صرفاً حق نیست و وظیفه و تکلیف آحاد ملت محسوب می‌شود. مشارکت می‌تواند مستقیم یا از طریق نهادها یا نمایندگان قانونی واسطه باشد (شیلمنز، ۲۰۱۱). ذکر این نکته مهم است که دموکراسی چنین چیزی نیست. لزوماً به این معنی است که نگرانی‌های آسیب‌پذیرترین [قشر] جامعه در تصمیم‌گیری در نظر گرفته می‌شود. مشارکت باید آگاهانه باشد و سازمان‌دهی شود. این به معنای آزادی اجتماعات و بیان از یک سو و جامعه مدنی سازمان‌یافته از سوی دیگر است.

## اصل دوم: حاکمیت قانون

ایده حاکمیت قانون به مفهوم انگلوساکسون از نزاع بین فرمانروایان و مردم بر سر موضوع اطاعت از پادشاه به شرط احترام او به قانون سرچشمه می‌گیرد. اجبار پادشاهان به احترام و رعایت قانون رفته‌رفته به مطالبه تنظیم حقوق شهروندی در قانون اساسی و تضمین آنها توسط مقامات حکومتی انجامید و در نهایت موجب چارچوب‌بندی قدرت شد. هدف حاکمیت قانون چارچوب‌بندی اعمال حکومتی، به‌خصوص اعمال قوه مجریه و جلوگیری از اعمال خودسرانه و سوءاستفاده از اختیارات است. پیامدهای حاکمیت قانون تضمین احترام کرامت انسانی، حقوق و آزادی‌های بشری است. حکمرانی خوب نیازمند چارچوب‌های قانونی منصفانه است که بی‌طرفانه اجرا شود (وارتولا<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۱۰). همچنین مستلزم حمایت کامل از حقوق بشر، به‌ویژه حقوق اقلیت‌هاست. اجرای بی‌طرفانه قوانین مستلزم یک قوه قضاییه مستقل و یک نیروی پلیس بی‌طرف و فسادناپذیر است.

## اصل سوم: شفافیت

شفافیت به معنای ارائه حق اطلاعاتی مردم به مردم است، به‌شرطی که اطلاعات داده‌شده مؤلفه‌های در زمان مناسب، در قالب مناسب، با کیفیت مناسب، در محل مناسب و به مخاطب مد نظر را داشته باشد. زمانی که همه این شروط به‌طور هم‌زمان به‌وقوع بپیوندند، شفافیت حاصل شده است و در صورت نبود هر یک از این شروط، شفافیت مد نظر حاصل نشده است. با توجه به این تعریف، شفافیت الزاماً به معنای ارائه همه اطلاعات به همه افراد نیست. افشای اطلاعات به‌صورت یکجا و بی‌نظم و بدون برنامه زمانی مناسب، شفافیت به حساب نمی‌آید. منظور از شفافیت این است که تصمیم‌های اتخاذشده و اجرای آنها به نحوی انجام شود که از قوانین و مقررات پیروی کند. همچنین به این معنی است که اطلاعات، آزادانه در دسترس است و به‌طور مستقیم در دسترس کسانی است که تحت تأثیر چنین تصمیم‌ها و اجرای آنها قرار می‌گیرند. همچنین به این معنی است که اطلاعات کافی به اشکال و



رسانه‌های قابل فهم ارائه می‌شود. البته معنای شفافیت در طول سال‌ها (به‌ویژه در دهه گذشته) تغییرات جدی یافته است. این تغییرات عمدتاً ناشی از تحولات مهم در عرصه‌های فناوری و اجتماعی بوده است. ناگفته پیداست که با استمرار این تحولات، معنای شفافیت نیز تکامل می‌یابد. برای نمونه در گذشته «دسترسی به اطلاعات» مترادف شفافیت بود، اما امروز تنها «استفاده‌پذیری اطلاعات» (با تعریف و دقت‌های حقوقی و فنی زیادی) مصداق آن است (اسدوزامان،<sup>۱</sup> ۲۰۱۱).

### اصل چهارم: پاسخگویی

پاسخگویی انسان در قبال عملکرد خود، نشئت‌گرفته از جایگاه مسئولیتی او نسبت به سایر آفریده‌هاست. انسان توانمندی که با آگاهی و اختیار عهده‌دار مسئولیتی شده است، باید همه توان خود را در حسن انجام آن کار به نحو اتم و اکمل به کار گیرد و نسبت به همه زوایای آن پاسخگو باشد. به‌ویژه با این نگرش که پست و مقام و مسئولیت در فرهنگ دینی امانتی الهی برای ارائه خدمت است، نه طعمه‌ای برای ارتزاق و اختلاس و منبعی برای درآمد و تجارت. سازمان شفافیت بین‌الملل پاسخگویی را این‌گونه تعریف می‌کند: «این مفهوم که افراد، نهادها و سازمان‌ها (دولتی، خصوصی و جامعه مدنی) مسئول گزارشگری فعالیت‌های خود و اعمال درست قدرت خود هستند و شامل مسئولیت در قبال پول یا دارایی محول‌شده است» و در مورد اهمیت آن بیان می‌کند: «دولت‌ها، شرکت‌ها و جامعه مدنی باید پاسخگویی بیشتر را تضمین کنند تا اعتماد عمومی را تضمین نمایند». پس حکمرانی خوب مستلزم آن است که نهادها و فرایندها سعی کنند در یک بازه زمانی معقول به همه ذی‌نفعان خدمت کنند.

### اصل پنجم: اجماع‌محور

مدل تصمیم‌گیری اجماع‌گرا افراد را گرد هم می‌آورد و به آنها کمک می‌کند تا تصمیم‌های بهتری بگیرند که در آن اعضای گروه احساس ارتباط کنند. مدل تصمیم‌گیری اجماع‌گرا می‌تواند برای ایجاد

۱. Asaduzzaman



توافقات گسترده در گروه در هر دو سازمان سلسله‌مراتبی و برابری طلب استفاده شود. در اصل، مردم برای یک همکاری سالم تلاش می‌کنند. برای دستیابی به این مهم، اهمیت دارد که هر یک از اعضای گروه به شیوه‌ای مؤثر مشارکت کنند. تنها از این طریق می‌توان تصمیم‌های مشترک گرفت و اهداف متقابل را محقق کرد. اثربخشی گروه مبتنی بر توانایی تصمیم‌گیری خوب است. فرایند تصمیم‌گیری به اثربخشی یک گروه بستگی دارد. با به‌کارگیری مدل تصمیم‌گیری اجماع‌گرا، همه اعضای گروه هوشیار می‌مانند تا به شیوه‌ای مثبت مشارکت کنند و مشارکت یکدیگر را تحریک کنند. تصمیم‌گیری اجماع‌محور حداکثر مشارکت گروه را با حداکثر کارایی ترکیب می‌کند. از طریق این فرایند، اعضای گروه می‌توانند به راه‌حل‌های مشترک بهتری برسند، به‌گونه‌ای که به همه آنها احترام بگذارد. همکاری خوب به شرکت‌کنندگان احساس تعلق بیشتری می‌دهد و تعهد آنها را بیشتر می‌کند. آنها با هم سرمایه‌گذاری می‌کنند تا به یک تصمیم موفقیت‌آمیز برسند که نویدبخش کارآمدی است. در سازمان‌های سلسله‌مراتبی، تصمیم‌ها از بالا به پایین اغلب توسط مدیریت بالاتر گرفته می‌شود. این مسئله می‌تواند موجب نارضایتی اعضای گروه شود، زیرا آنها در فرایند تصمیم‌گیری دخالت ندارند. تصمیم‌گیری اجماع‌محور جایگزین خوبی برای دستیابی به مصالحه است. با درگیر کردن آنها، شرکت‌کنندگان احساس می‌کنند بیشتر شنیده می‌شوند که به درجه بالاتری از کارایی می‌انجامد. در نهایت در یک جامعه، کنشگران یا بازیگران، کنشگران متعدد و به همان تعداد، دیدگاه وجود دارد. حکمرانی خوب مستلزم میانجی‌گری منافع مختلف در جامعه برای دستیابی به یک اجماع گسترده در این باره است که چه چیزی به نفع کل جامعه است و چگونه می‌توان به آن دست یافت. همچنین مستلزم دیدگاهی گسترده و بلندمدت در مورد آنچه برای توسعه پایدار انسانی مورد نیاز است و چگونگی دستیابی به اهداف چنین توسعه‌ای است. این تنها می‌تواند ناشی از درک زمینه‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی یک جامعه<sup>۱</sup> (قشرهای مختلف جامعه) یا قشر و گروه مشخصی از افراد جامعه<sup>۲</sup> باشد.

۱. Society
۲. Community



## اصل ششم: برابری (عدالت) و فراگیری

برابری، نظریه‌ای بر پایه اعتقاد به همانند بودن انسان‌ها از جنبه وجودی و در نتیجه، لزوم رفتار یکسان با آنهاست. تأکید بر برابری انسان‌ها با یکدیگر پیشینه‌ای طولانی دارد، ولی در چند قرن گذشته، به‌ویژه در دوره روشنگری، این اندیشه به نیرویی عمده برای تغییرات اساسی در حقوق عمومی و سیاسی تبدیل شده و به تدریج بر کشورهای دنیا نیز اثر گذاشته است. در دهه‌های اخیر، مجامع بین‌المللی، به‌منظور تأکید بر برابری انسان‌ها صرف‌نظر از نژاد، رنگ، طبقه اجتماعی، مذهب، ثروت، مقام، جنس و جز اینها، چندین مقاوله‌نامه و اعلامیه تصویب کرده‌اند. در سیر تاریخی اندیشه برابری، گاهی فقط یکسانی مالی و اقتصادی وجه نظر بوده است، گاهی بر برابری در محضر قوانین، و گاهی همسانی ظرفیت‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و غیره (فرازمند، ۲۰۱۲: ۲۲۷). در قرآن هم مواردی مرتبط با برابری دیده می‌شود یا احکام فقهی ناظر بر اندیشه برابری وجود دارد. به گفته مفسران، آیه ۱۳ سوره حجرات بر نکوهش فخر و روشی و برتری طلبی طبقاتی، نژادی و نسبی تأکید کرده است؛ بنابراین سعادت یک جامعه به این بستگی دارد که همه اعضای آن احساس کنند که در آن سهم دارند و از جریان اصلی جامعه احساس طرد شدن نکنند. این امر مستلزم آن است که همه گروه‌ها، به‌ویژه آسیب‌پذیرترین افراد، فرصت‌هایی برای بهبود یا حفظ رفاه خود داشته باشند.

## اصل هفتم: اثربخشی و کارایی

حکمرانی خوب به این معناست که فرایندهای نهادها و سازمان‌ها نتایجی را ایجاد می‌کند که نیازهای جامعه را برآورده می‌سازد و در عین حال بهترین استفاده را از منابع در اختیار دارد (هدی، ۲۰۱۶). مفهوم کارایی در زمینه حکمرانی خوب، استفاده پایدار از منابع طبیعی و حفاظت از محیط زیست را نیز دربر می‌گیرد.

## اصل هشتم: مسئولیت‌پذیری

مسئولیت را می‌توان یک تعهد درونی دانست که خود شخص یا دیگری بر وی تعیین می‌کند. از





آنجا که انسان یک موجود اختیاردار است، مختار است که یک مسئولیت را بپذیرد و آن را انجام دهد. با توجه به همین خصوصیات هر نوع مسئولیت‌پذیری دارای نتایج مثبت و منفی خواهد بود. افزایش اعتماد به نفس و عزت نفس، پذیرش مسئولیت از روی منطق، افزایش پاسخگویی و بهبود عملکرد، قابل اتکا بودن برای دیگران، انجام وظایف محوله در هر شرایط، عدم مقصر دانستن دیگران و پذیرش اشتباه‌ها، برخی از مزایای مسئولیت‌پذیری است (حاکه،<sup>۱</sup> ۲۰۱۱: ۶۲)؛ بنابراین مسئولیت‌پذیری یکی از الزامات کلیدی حکمرانی خوب است. نه تنها نهادهای دولتی، بلکه بخش خصوصی و سازمان‌های جامعه مدنی نیز باید در برابر مردم پاسخگو باشند.

### ج) فساد

فساد پدیده‌ای است که بسیاری از کشورها، به ویژه اقتصادهای نوظهور را به ستوه آورده است و عموماً به عنوان مانع مهمی برای توسعه اقتصادی در نظر گرفته می‌شود. فساد مانع رشد اقتصادی می‌شود و از طریق آن بر سرمایه‌گذاری در یک اقتصاد باز با منحرف کردن سرمایه‌گذاری بین‌المللی تأثیر می‌گذارد. عدم اطمینان ناشی از فساد، بر کارآفرینی و فعالیت‌های تولیدی تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین بازگشت سرمایه را کاهش و ریسک آن را افزایش می‌دهد و فعالیت‌های سرمایه‌گذاری را تضعیف می‌کند. کشورهای غنی‌تر با دسترسی بهتر به تأمین مالی بین‌المللی سریع‌تر رشد می‌کنند و کمتر مستعد تأثیرات زیان‌آور فساد نسبت به اقتصادهای نوظهور هستند. کشورهای کمتر سرمایه‌گذاری شده بیشتر در معرض آثار سوء فساد قرار دارند (ویرتانن و کی و-اوجا،<sup>۲</sup> ۲۰۱۵). این امر نشان می‌دهد که تأثیر نسبی فساد بر رشد با توجه به سطح سرمایه‌گذاری، متفاوت است. علاوه بر آن، برای کشورهای با سطوح پایین سرمایه‌گذاری، انتظار می‌رود آثار قابل توجهی از فساد در رشد اقتصادی، مستند به افزایش عدم قطعیت و بی‌ثباتی باشد.





### ۳. روش‌شناسی پژوهش

هدف مطالعه حاضر مدل‌سازی ساختاری تفسیری مؤلفه‌های حکمرانی براساس برنامه توسعه سازمان ملل متحد در نظر گرفته شده است. نوع تحقیق، کاربردی-توسعه‌ای است که با استفاده از روش کیفی انجام شده و با بهره‌گیری از تحلیلی نوین با عنوان «مدل‌سازی ساختاری تفسیری»، روابط بین مجموعه مؤلفه‌ها تعیین شده است. داده‌ها از مطالعات موجود، کتب و برنامه‌های توسعه‌ای سازمان ملل متحد جمع‌آوری و از روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری برای تعیین روابط میان مجموعه مؤلفه‌ها استفاده شده است. روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری رویکردی اکتشافی دارد؛ بنابراین برای شناسایی رابطه میان عوامل مناسب است. روابط بین مؤلفه‌ها براساس مبانی نظری موجود و مطالعات صورت گرفته تعیین شده است؛ اما برای استحکام بیشتر از ۱۳ نفر خبره و استاد دانشگاه نیز بهره گرفته شده است و براساس فراوانی نظرها و اجماع نظری حاصل شده، روابط بین مؤلفه‌ها نهایی شدند.

#### - رویکرد و روش پژوهش

مدل‌سازی ساختاری تفسیری<sup>۱</sup>: مدل‌سازی ساختاری تفسیری روشی اکتشافی برای شناسایی روابط شاخص‌ها و سطح‌بندی آنها مبتنی بر پارادایم تفسیرگرایانه است. با استفاده از این روش می‌توان الگوی روابط علی و پیچیده میان یک مجموعه از عوامل را شناسایی کرد. این روش نوعی تحلیل ساختاری است که براساس پارادایم تفسیری بنا نهاده شده است. هدف این روش نیز شناسایی روابط بین مؤلفه‌های زیربنایی یک پدیده چندوجهی و پیچیده است و برای مطالعات مدیریت و علوم اجتماعی مناسب است. از این روش برای شناسایی روابط میان یک مجموعه عوامل، شاخص‌ها یا مؤلفه‌ها استفاده می‌شود. روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری رویکردی اکتشافی دارد؛ بنابراین برای شناسایی رابطه میان عوامل مناسب است. از این منظر کاربرد مدل‌سازی ساختاری تفسیری مشابه روش دیمتل است؛ اما علاوه بر شناسایی روابط، به سطح‌بندی شاخص‌ها نیز می‌پردازد. کاربرد

۱. Interpretive Structural Modeling = ISM



اصلی این روش برای پژوهشگران، طراحی الگوی اولیه پس از شناسایی عوامل زیربنایی پدیده مورد مطالعه با روش‌های کیفی است. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه ISM استفاده می‌شود. دقت کنید این پرسشنامه تنها یک ماتریس استاندارد است و با پرسشنامه‌های سنجش نگرش با طیف لیکرت تفاوت دارد. مفاهیمی مانند روایی و پایایی نیز درباره این پرسشنامه مصداق ندارند. در روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری، تنها از ۰ و ۱ برای تعیین روابط شاخص‌ها استفاده می‌شود؛ بنابراین پاسخ‌دهندگان آزادی چندانی در بیان رابطه شاخص‌ها ندارند. برای انجام مدل‌سازی ساختاری تفسیری پنج گام اصلی برداشته می‌شود:

گام اول: تشکیل ماتریس خودتعاملی ساختاری

گام دوم: ماتریس دستیابی

گام سوم: ماتریس انتقال‌پذیری

گام چهارم: سطح‌بندی شاخص‌ها

گام پنجم: ترسیم نمودار قدرت نفوذ-وابستگی

گام اول: تشکیل ماتریس خودتعاملی ساختاری

پس از شناسایی شاخص‌های زیربنایی پدیده مورد مطالعه، یک ماتریس مربع  $n \times n$  از شاخص‌های موجود طراحی می‌شود. این ماتریس در واقع همان پرسشنامه ISM است. در این مطالعه شاخص‌ها یا مؤلفه‌ها به شرح زیر گزارش می‌شود:

جدول ۱: مؤلفه‌های حکمرانی

۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
A	B	C	D	E	F	G	H	I
عدالت	حاکمیت قانون	شفافیت	مسئولیت‌پذیری	اجماع‌محوری	مشارکت	بهره‌وری	پاسخگویی	کنترل فساد



جدول ۲: ماتریس خودتعاملی ساختاری

I	H	G	F	E	D	C	B	A	
۲	۲	۱	۲	۲	۲	۱-	۱-	----	A
۱	۱	۱	۱	۱	۲	۲	----		B
۲	۲	۲	۲	۱	۲	----			C
۲	۲	۱	۲	۲	----				D
۱	۱	۱	۲	----					E
۲	۲	۱	----						F
-۱	-۱	----							G
۲	----								H
----									۱

روابط بین مؤلفه‌های فوق براساس نظام قراردادی زیر تبیین می‌شود:

- ارتباط یک‌طرفه از i به j = ۱      ارتباط یک‌طرفه از j به i = -۱
- ارتباط دوطرفه بین i و j = ۲      عدم ارتباط بین i و j = ۰

با استفاده از نمادهای مندرج در جدول فوق، الگوی روابط علی میان مؤلفه‌ها تعیین می‌شود. به

این ترتیب ماتریس خودتعاملی ساختاری تشکیل می‌شود.

	A	B	C	D	E	F	G	H	I
A	-	-1	-1	2	2	2	1	2	2
B	1	-	2	2	1	1	1	1	1
C	1	2	-	2	1	2	2	2	2
D	2	2	2	-	2	2	1	2	2
E	2	-1	-1	2	-	2	1	1	1
F	2	-1	2	2	2	-	1	2	2
G	-1	-1	2	-1	-1	-1	-	-1	-1
H	2	-1	2	2	-1	2	1	-	2
I	2	-1	2	2	-1	2	1	2	-

شکل ۱: تشکیل ماتریس



## گام دوم: ماتریس دریافتی

ماتریس دریافتی Reachability matrix ماتریس صفر و یک از ماتریس خودتعاملی است؛ به این صورت که به جای ۱ و ۲ عدد ۱ و برای ۰ و ۱ عدد صفر جایگزین می‌شود. ماتریس به دست آمده ماتریس دریافتی اولیه نام دارد. درایه‌های قطر اصلی برابر یک یا خط تیره قرار می‌گیرد.

ماتریس دریافتی اولیه									
	A	B	C	D	E	F	G	H	I
A	1	0	0	1	1	1	1	1	1
B	1	1	1	1	1	1	1	1	1
C	1	1	1	1	1	1	1	1	1
D	1	1	1	1	1	1	1	1	1
E	1	0	0	1	1	1	1	1	1
F	1	0	1	1	1	1	1	1	1
G	0	0	1	0	0	0	1	0	0
H	1	0	1	1	0	1	1	1	1
I	1	0	1	1	0	1	1	1	1

شکل ۲: ماتریس دریافتی

## گام سوم: ماتریس انتقال‌پذیری

بعد از آنکه ماتریس به یک ماتریس صفر و یک تبدیل شد، باید ماتریس ثانویه طراحی شود؛ به این صورت که اگر براساس روابط ثانویه باید آثار مستقیم لحاظ شده باشد اما در عمل این اتفاق نیفتاده باشد، باید جدول را تصحیح کرد و رابطه ثانویه را نیز نشان داد. به زبان علمی با وارد کردن انتقال‌پذیری در روابط شاخص‌ها، ماتریس دستیابی نهایی به دست می‌آید. این یک ماتریس مربعی است که هریک از درایه‌های آن هنگامی که عنصر به عنصر با هر طولی دسترسی داشته باشد، یک و در غیر این صورت برابر صفر است. حالت‌های ممکن تعدی برای تک‌تک مؤلفه‌ها طبق ماتریس خودتعاملی ساختاری انجام می‌شود و ماتریس زیر به دست می‌آید. حال باید تک‌به‌تک مؤلفه‌ها را بررسی کرد و اگر تغییری به وجود آمد، با علامت \* ۱ یا رنگ قرمز در ماتریس نشان داد.



### ماتریس دریافتی نهایی

	A	B	C	D	E	F	G	H	I
A	1	1	1	1	1	1	1	1	1
B	1	1	1	1	1	1	1	1	1
C	1	1	1	1	1	1	1	1	1
D	1	1	1	1	1	1	1	1	1
E	1	1	1	1	1	1	1	1	1
F	1	1	1	1	1	1	1	1	1
G	1	1	1	1	1	1	1	1	1
H	1	1	1	1	1	1	1	1	1
I	1	1	1	1	1	1	1	1	1

شکل ۳: ماتریس دریافتی نهایی

### گام چهارم: نمودار قدرت نفوذ - وابستگی

در تکنیک مدل‌سازی ساختاری تفسیری، روابط متعامل و مؤثر بین مؤلفه‌ها و شاخص‌های سطح‌ها نمایش داده می‌شود و در اتخاذ تصمیم‌ها توسط مدیران اهمیت زیادی دارد و برای شناخت مؤلفه‌های کلیدی میزان و درجه نفوذ و وابستگی آنها در ماتریس نهایی شکل می‌گیرد.

قدرت یا میزان نفوذ Driving Force: تعداد عناصری که عنصر نام بر آنها تأثیر می‌گذارد؛ در واقع میزان تأثیر بر مؤلفه‌های دیگر است که برای هر مؤلفه از جمع اعداد هر سطر در ماتریس دریافتی نهایی به دست می‌آید.

قدرت یا میزان وابستگی Dependent Force: تعداد عناصری که بر عنصر نام تأثیر می‌گذارند؛ در واقع تأثیر پذیری از مؤلفه‌های دیگر را نشان می‌دهد که برای هر مؤلفه از جمع اعداد هر ستون در ماتریس دریافتی نهایی به دست می‌آید.

جدول ۳: قدرت نفوذ و وابستگی

مؤلفه‌ها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
	A	B	C	D	E	F	G	H	I
میزان نفوذ	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹
میزان وابستگی	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۹



ستون قدرت نفوذ از جمع سطری به دست می آید و ستون وابستگی از جمع ستونی حاصل می شود. به بیان دیگر، اگرچه ستون قدرت نفوذ و سطر وابستگی از جمع جبری حاصل شده، ولی هر يك از اعداد (۱) در سطر نشان دهنده روابط تأثیرگذار يك بعد/شاخص بر بعد/شاخص دیگر است و هر يك از اعداد (۱) در ستون نشان دهنده وابستگی يك بعد/شاخص بر بعد/شاخص دیگر است.

### گام پنجم: تعیین روابط و سطح بندی ابعاد و شاخص ها

برای تعیین روابط و سطح بندی معیارها در مدل ساختاری تفسیری ISM باید مجموعه خروجی ها و مجموعه ورودی ها برای هر معیار از ماتریس دریافتی استخراج شود.

- مجموعه دستیابی (اثرگذاری یا خروجی ها): شامل خود معیار و معیارهایی است که از آن تأثیر می پذیرد.

- مجموعه پیش نیاز (اثرپذیری یا ورودی ها): شامل خود معیار و معیارهایی است که بر آن تأثیر می گذارند.

جدول ۴: روابط و سطح بندی ابعاد و شاخص ها

مؤلفه ها	شماره	مجموعه خروجی	مجموعه ورودی	مجموعه مشترک	سطح
A	۱	۹/۸/۷/۶/۵/۴/۳/۲/۱	۹/۸/۷/۶/۵/۴/۳/۲/۱	۹/۸/۷/۶/۵/۴/۳/۲/۱	۱
B	۲	۹/۸/۷/۶/۵/۴/۳/۲	۹/۸/۷/۶/۵/۴/۳/۲	۹/۸/۷/۶/۵/۴/۳/۲	۱
C	۳	۹/۸/۷/۶/۵/۴/۳/۲/۱	۹/۸/۷/۶/۵/۴/۳/۲/۱	۹/۸/۷/۶/۵/۴/۳/۲/۱	۱
D	۴	۹/۸/۷/۶/۵/۴/۳/۲/۱	۹/۸/۷/۶/۵/۴/۳/۲/۱	۹/۸/۷/۶/۵/۴/۳/۲/۱	۱
E	۵	۹/۸/۷/۶/۵/۴/۳/۲	۹/۸/۷/۶/۵/۴/۳/۲	۹/۸/۷/۶/۵/۴/۳/۲	۱
F	۶	۹/۸/۷/۶/۵/۴/۳/۲/۱	۹/۸/۷/۶/۵/۴/۳/۲/۱	۹/۸/۷/۶/۵/۴/۳/۲/۱	۱
G	۷	۹/۸/۷/۶/۵/۴/۳/۲/۱	۹/۸/۷/۶/۵/۴/۳/۲/۱	۹/۸/۷/۶/۵/۴/۳/۲/۱	۱
H	۸	۹/۸/۷/۶/۵/۴/۳/۲	۹/۸/۷/۶/۵/۴/۳/۲	۹/۸/۷/۶/۵/۴/۳/۲	۱
I	۹	۹/۸/۷/۶/۵/۴/۳/۲/۱	۹/۸/۷/۶/۵/۴/۳/۲/۱	۹/۸/۷/۶/۵/۴/۳/۲/۱	۱



پس از تعیین مجموعه دستیابی و مجموعه پیش‌نیاز، اشتراک دو مجموعه حساب می‌شود. اولین متغیری که اشتراک دو مجموعه برابر با مجموعه قابل دستیابی (خروجی‌ها) باشد، سطح اول خواهد بود؛ بنابراین عناصر سطح اول بیشترین تأثیرپذیری را در مدل خواهند داشت. پس از شناسایی شاخص‌های سطح اول، این عناصر حذف می‌شوند و فرایند محاسبه مجموعه دستیابی و پیش‌نیاز ادامه پیدا می‌کند. این فرایند تا حذف همه شاخص‌ها ادامه پیدا می‌کند. به عبارت دیگر با توجه به ماتریس دریافتی نهایی، سطوح مؤلفه‌ها تعیین می‌شود؛ مؤلفه‌هایی که دارای وابستگی زیادی هستند در سطوح ابتدایی و مؤلفه‌هایی که دارای قدرت نفوذ بالایی هستند، در پایین‌ترین سطح قرار می‌گیرند. مؤلفه‌هایی که دارای وابستگی کم هستند در سطوح بالاتر و مؤلفه‌های که دارای قدرت نفوذ پایینی هستند در بالاترین سطح قرار می‌گیرند. با این اوصاف تمام ۹ مؤلفه در سطح یک قرار می‌گیرند.

مدلسازی ساختاری تفسیری									
LEVEL1	LEVEL2	LEVEL3	LEVEL4	LEVEL5	LEVEL6	LEVEL7	LEVEL8	LEVEL9	
A	کنترل	فساد	Driving forces			Dependent forces			حکمرانی خوب
B			A	0	0	A	0	0	
C			A	0	0	A	0	0	
D			A	0	0	A	0	0	
E			A	0	0	A	0	0	
F			A	0	0	A	0	0	
G			A	0	0	A	0	0	
H			A	0	0	A	0	0	
I			A	0	0	A	0	0	

شکل ۴: مدل‌سازی ساختاری تفسیری

#### ۴. یافته‌های پژوهش

##### – تحلیل MICMAC

هدف بررسی و تحلیل نیروی نفوذ و نیروی وابستگی مؤلفه‌هاست. در این تحلیل مؤلفه‌ها به چهار دسته کلی تقسیم می‌شوند و هرکدام تفسیر خودشان را دارند:

دسته اول شامل «مؤلفه‌های خودمختار» هستند. این دسته از مؤلفه‌ها نیروی وابستگی و همچنین نیروی نفوذ ضعیفی دارند. مؤلفه‌هایی که در این دسته قرار می‌گیرند، تقریباً به صورت جدا از کل



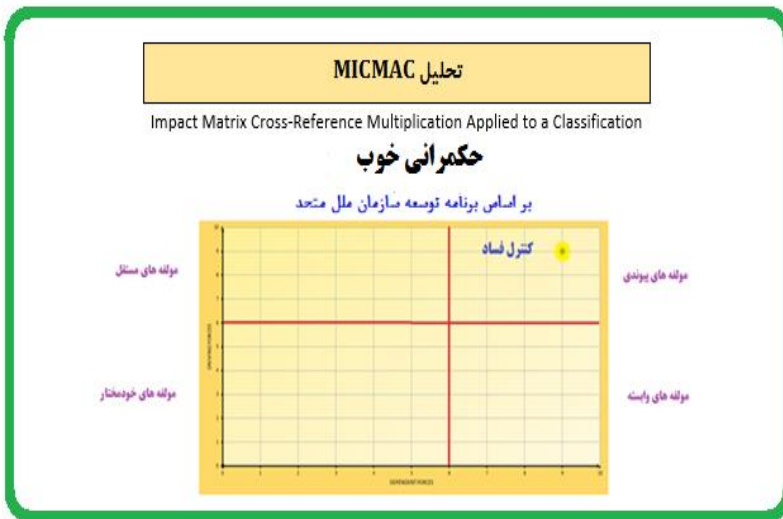
سیستم عمل می‌کنند. این مؤلفه‌ها اثر چندانی روی سایر مؤلفه‌ها ندارند و در واقع ارتباط این مؤلفه‌ها با مؤلفه‌های دیگر بسیار محدود و ناچیز است.

دسته دوم «مؤلفه‌های وابسته» هستند که نیروی نفوذ ضعیفی دارند، با وجود این از نیروی وابستگی بالاتری نسبت به سایر مؤلفه‌ها برخوردارند.

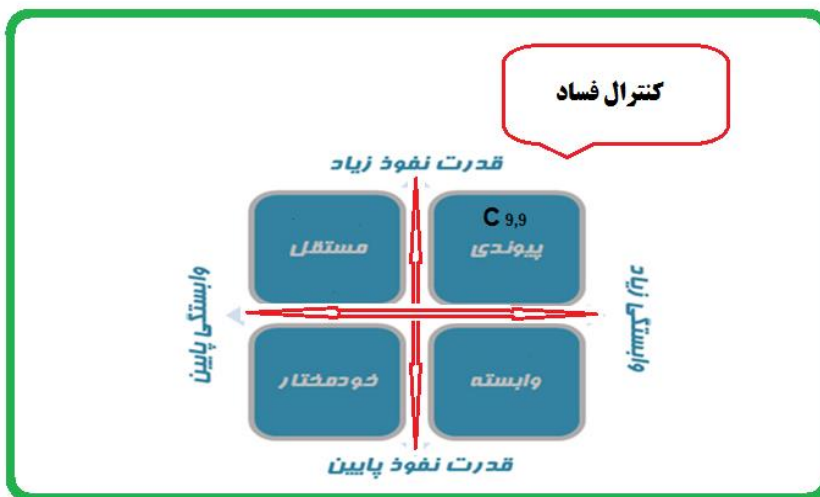
دسته سوم شامل «مؤلفه‌های پیوندی» است که نیروی نفوذ و همچنین نیروی وابستگی قدرتمندی دارند. این مؤلفه‌ها در حقیقت مؤلفه‌هایی هستند که بی‌ثبات‌اند، به این معنا که انجام هرگونه اقدامی در مورد این مؤلفه‌ها علاوه بر اینکه به‌طور مستقیم بر سایر مؤلفه‌ها اثر می‌گذارد، می‌تواند در قالب بازخورد از سایر مؤلفه‌ها بر خود مؤلفه نیز اثرگذار باشد (کارایی، عدالت و برنامه‌محور).

دسته چهارم «مؤلفه‌های مستقل» هستند که نیروی نفوذ قوی دارند، اما نیروی وابستگی آنها ضعیف است که در واقع مؤلفه‌های کلیدی به‌شمار می‌آیند و با ایجاد تغییر در آنها می‌توان بر بقیه مؤلفه‌ها تأثیر گذاشت.

پس از تعیین قدرت نفوذ و قدرت وابستگی مؤلفه‌ها، می‌توان همه مؤلفه‌ها را در یکی از خوشه‌های چهارگانه روش MICMAC قرار داد. در اینجا نکته مهمی که وجود دارد مشخص کردن مرز بین این چهار دسته است. روی ماتریس روش MICMAC نقاط مرزی معمولاً يك واحد بزرگ‌تر از میانگین تعداد مؤلفه‌هاست؛ یعنی با تعداد  $n = 9$  مؤلفه، خط مرزی برابر است با رابطه:  $1 + (n/2)$  یعنی:  $6 = 5/5 = 1 + (9/2)$ . بعد از رسم ماتریس و تعیین خطوط مرزی، مؤلفه‌ها براساس میزان نفوذ و وابستگی درون آن قرار می‌گیرند. براساس میزان نفوذ و وابستگی آنها، هیچ مؤلفه‌ای به‌عنوان مؤلفه مستقل، وابسته و خودمختار شناخته نشد و تنها مؤلفه «کنترل فساد» به‌عنوان مؤلفه پیوندی تعیین شد.



شکل ۵: مؤلفه‌های حکمرانی خوب



شکل ۶: قدرت نفوذ-وابستگی نهایی

از یافته‌های تحقیق می‌توان به نتایج ماتریس نفوذ-همبستگی اشاره کرد. در این ماتریس مؤلفه‌های حکمرانی در راستای مؤلفه‌های تعریف‌شده برنامه توسعه سازمان ملل متحد و با توجه به قدرت نفوذ هر مؤلفه در مؤلفه‌های دیگر و میزان وابستگی هر مؤلفه به مؤلفه‌های دیگر





سطح‌بندی شده است. سطح‌بندی مؤلفه‌ها نشان می‌دهد که همه ۹ مؤلفه در یک سطح قرار گرفتند. این سطح‌بندی نشان داد که هیچ مؤلفه‌ای در چارچوب مؤلفه‌های مستقل، وابسته و خودمختار تعریف و تعیین نشدند. تنها مؤلفه «کنترل فساد» به‌عنوان مؤلفه پیوندی تعیین شد که نیروی نفوذ و همچنین نیروی وابستگی قدرتمندی دارد. در حقیقت این مؤلفه‌ها بی‌ثبات‌اند؛ به این معنا که انجام هرگونه اقدامی درباره این مؤلفه‌ها علاوه بر اینکه به‌طور مستقیم بر سایر مؤلفه‌ها اثر می‌گذارد، می‌تواند در قالب بازخورد از سایر مؤلفه‌ها بر خود مؤلفه نیز اثرگذار باشد. در واقع مطالعه نشان داد با اینکه مؤلفه‌های تعریف‌شده بر حکمرانی بی‌تأثیر نیستند، اما یافته جالب مطالعه حکایت از این دارد که حکمرانی خوب در سایه کنترل فساد تحقق پیدا می‌کند که علاوه بر اینکه با مبانی نظری سازگار است، با عالم واقع نیز کاملاً مطابقت دارد.

## ۵. بحث، نتیجه‌گیری و پیشنهادها

حکمرانی یک مفهوم چندوجهی است که شامل همه جنبه‌های اعمال اقتدار می‌شود؛ به همین دلیل هر یک از ابعاد کارایی و اثربخشی به مؤلفه‌هایی در حوزه‌های اداری، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تقسیم شده است که نشان‌دهنده تأکید بر چندوجهی بودن حکمرانی است. بنابراین حکمرانی خوب زیرمجموعه‌ای از حکمرانی است که در آن منابع و مشکلات عمومی به‌طور مؤثر، کارآمد و در پاسخ به نیازهای حیاتی جامعه مدیریت می‌شوند. اشکال مؤثر دموکراتیک حکومت بر مشارکت عمومی، پاسخگویی و شفافیت متکی است و تحقق آن در کنار سایر مؤلفه‌های مد نظر سازمان ملل، به کاهش مؤثر و محسوس فساد می‌انجامد که دقیقاً در راستای مؤلفه پیوندی ناشی از مدل‌سازی ساختاری تفسیری شاخص‌های مد نظر سازمان ملل در مطالعه حاضر یعنی کنترل فساد است.

الگوی به‌دست‌آمده در مقایسه با سایر الگوها، از نظر ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های به‌دست‌آمده، جامعیت بیشتری از حیث بین‌الملل را نشان می‌دهد. این موضوع با برخی پژوهش‌های داخلی و خارجی مقایسه شده است. برخورداری الگوی پژوهش حاضر از بیشتر مؤلفه‌ها و شاخص‌های قابل‌پذیرش در سطح ملل مختلف، نقطه قوت آن است. دستاورد اصلی





پژوهش نیز جامعیت و بین‌المللی بودن الگو خواهد بود که برای تمام ملل قابل پیاده‌سازی و تعمیم است. چنانچه مؤلفه‌های متأثر از بافت تاریخی و فرهنگی هر کشوری به آن اضافه و مدل‌سازی شود، خود نسخه بومی آن کشور محسوب می‌شود.

بنابراین از بعد مفاهیم نظری و حتی عملی می‌توان یافته‌های مطالعه را به این صورت تبیین و تشریح کرد که ماهیت پویای جامعه یکی از دلایل مبهم ماندن مفهوم «حکمرانی» است. اگر زمینه و شرایط دائم در حال تغییر و تحول باشد - اقتصاد جهانی، تغییرات نهادی، وضعیت موجود نظامی، توافق‌نامه‌های تجاری جهانی، ارزش‌های اجتماعی و غیره - جای تعجب نیست که نظریه‌ها و مدل‌های حکمرانی دائماً محتوای آنها را شکل می‌دهند. برای مثال، پیچیدگی جامعه به‌عنوان یک موضوع بزرگ در علوم مدیریت، سیاسی و اجتماعی تکامل یافته است، اما در واقع بسیار اندک شناخته شده است. از این رو این پیچیدگی را ایجاد می‌کند که سیاست‌های عمومی چگونه با موضوع پیچیدگی برخورد می‌کنند و چگونه حوزه حکمرانی در این تصویر قرار می‌گیرد؟ احساس می‌شود مشکل پارادایم‌های ارزیابی خط‌مشی عمومی موجود و مدل‌های ارزیابی برنامه به‌ویژه این است که با چالش‌های اجتماعی کنونی، مشکلات پیوندهای نوظهور و مدل‌ها و نظریه‌های تبیین‌شده برای حکمرانی هم‌خوانی ندارند؛ بنابراین به‌راحتی می‌توان پیش‌بینی کرد که بحث آکادمیک و همچنین عملی پیرامون مفهوم حکمرانی به‌عنوان یک تمرین چندصدایی ادامه یابد. با این حال، به‌رغم تفاوت‌های تفسیری و زمینه‌ای، نظریه‌ها و مدل‌های حکمرانی ارتباط نزدیکی با هم دارند؛ زیرا آنها بر یک سیستم حاکمیت محلی متمرکزتر، یکپارچه و غیرمتمرکزتر و همچنین مدیریت شبکه‌ها در سطح جهانی تمرکز می‌کنند. اما قضاوت اینکه کدام نظریه از نظریه‌های موجود از جمله موارد زیر، تضمین می‌کند، بسیار دشوار است:

- توسعه و توسعه پایدار؛
- ریشه‌کنی فقر؛
- کاهش/مبارزه با فساد؛
- ارتقای مشارکت مردم در توسعه؛
- تمرکززدایی و حکومت محلی نوآورانه/دموکراتیک؛



- حکومت دموکراتیک یا حکمرانی خوب.

طبق نظر وایت و کیلیک<sup>۱</sup> (۲۰۰۱)، هیچ نظریه پذیرفته شده‌ای درباره فقر وجود ندارد که سلسله‌مراتبی از علل را ایجاد کند و همچنین هیچ مدل پذیرفته شده‌ای وجود ندارد که بتواند به همان هدف عمل کند (به نقل از ورلین، ۲۰۰۳). جمیل جریسات<sup>۲</sup> (۲۰۰۴: ۱۰۰۶) به طور دقیق‌تر بیان می‌کند که برای موفقیت هر سیستم حکمرانی ملی در جهانی که به طور فزاینده‌ای به هم پیوسته و به سرعت در حال تغییر است، نیاز به توسعه یک سیستم حکمرانی مبتنی بر فرایند یادگیری و تصمیم‌گیری است تا بتواند موفق شود، قادر به رشد و انطباق با انتظارات شهروندان باشد و همچنین عملکرد مؤثر در سراسر تغییر مرزها و حدود داشته باشد. او همچنین استدلال می‌کند که در تقویت فعالیت‌های اصلاحی، مؤسسات عمومی باید بر فرایند یادگیری درونی خود تکیه کنند و در عین حال با استانداردها و شیوه‌های بین‌المللی سازگار شوند (جریسات، ۲۰۰۴: ۱۰۰۶). فرازمنند (۲۰۰۲) این ایده را به طور بسیار مختصر به صورت «جهانی اندیشیدن و محلی عمل کردن» بیان می‌کند.

در نهایت از بعد مفهومی، حکمرانی به‌شکلی تعریف می‌شود که در آن بخش‌های دولتی یا خصوصی، نه به طور جداگانه، بلکه در ارتباط با سایر کنشگران یا بازیگران جامعه، درگیر حل مسئله می‌شوند؛ از این رو، این رویکرد، حکمرانی را به‌عنوان شکلی از کنش چندسازمانی می‌بیند تا اینکه فقط نهادهای دولتی را درگیر کند. در واقع، این نوع تعاریف نقش دولت را بازتعریف و حکمرانی را از مدیریت دولتی سنتی متمایز کرده و این نقطه شروع فکری و مفهومی برای ظهور حکومت عمومی جدید، پارادایم مدیریت بخش عمومی از آغاز هزاره است. در همین راستا، چارچوبی برای حکومت دموکراتیک از دیدگاه نهادی جدید علوم سیاسی ارائه کردند که تقویت دموکراسی، حکومت سیاسی را بهبود می‌بخشد. این وظیفه مستلزم توسعه است: هویت‌های دموکراتیک؛ توانایی برای اقدام سیاسی مناسب میان شهروندان، گروه‌ها و نهادها؛ گزارش رویدادهای سیاسی؛ یک سیستم سیاسی سازگار که با تغییر تقاضاها و محیط کنار می‌آید؛ بنابراین با یک ارتباط سلسله‌وار و اجماع کلیت‌شمول، متشکل

۱. White & Killick

۲. Jamil Jreisat

از همه کنشگران نهادی و مردمی، می‌توان فساد را کنترل کرد تا از این رهگذر حکمرانی خوب شکل بگیرد.

با بررسی مطالعات موجود و مرتبط با حکمرانی خوب و به‌طور خاص براساس شاخص‌های مد نظر سازمان ملل می‌توان نتیجه گرفت که چنانچه این شاخص‌ها با شاخص‌های برآمده با رویکرد اندیشه‌های سیاسی انقلاب اسلامی ترکیب و تلفیق شود، می‌توان نسخه بومی و جهان‌شمول‌تری ارائه کرد که بستر و زمینه خوبی برای انجام تحقیقات بیشتر در آینده تلقی شود. به‌طور کلی تحقیقات انجام‌شده در این زمینه تا حدودی مؤید شاخص‌ها و مؤلفه‌های مد نظر در این تحقیق بوده‌اند. بی‌تردید تبعیض طبقاتی و عدم مساوات اجتماعی، احساس مرارت، ناکامی و خشم را در قشرهای مختلف مردم برمی‌انگیزد و منشأ نارضایتی و شورش علیه نظام موجود می‌شود در جایی که برخی زمامداران با اشرافی‌گری و ویژه‌خواری، رعایت حقوق و حدود دیگران را نمی‌کنند. این تجاوز به حقوق جامعه، به‌تدریج دامنه نارضایتی مردم را گسترش می‌دهد. بنابراین حکومت چاره‌ای جز جلوگیری و سرکوب ندارد و نتیجه سرکوبی‌ها جز افزایش نارضایتی عایدی دیگری نخواهد داشت و احساس وفاداری عده کثیری به حکومت تضعیف می‌شود. درنهایت اگر حکومت روش و راه خویش را تغییر ندهد، با نافرمانی و طغیان مردم روبه‌رو می‌شود که این امر موجب بی‌ثباتی حکومت می‌گردد. به اعتقاد جامعه‌شناسان سیاسی، در بیشتر دگرگونی‌ها و انقلاب‌های سیاسی همیشه باید علت شورش را در شکل‌گیری فساد ناشی از عدم تحقق مؤلفه‌های حکمرانی خوب جست‌وجو کرد که با یافته کلیدی تحصیل‌شده از مدل‌سازی ساختاری تفسیری مؤلفه‌های حکمرانی خوب در مطالعه حاضر که همانا «کنترل فساد» است، کاملاً همسو و سازگار است.

درنهایت پیامدهای پژوهشی این مطالعه متنوع خواهد بود که مواردی به شرح زیر فهرست شده است:

- انعطاف‌پذیری و چابکی درونی «مفهوم حکمرانی» با در نظر گرفتن (الف) سلسله‌مراتب سیاسی-فرهنگی بین رژیم‌ها و سیستم‌های خط‌مشی و همچنین (ب) پراکندگی عمودی سطوح حکمرانی و مدیریت دولتی در سطح محلی، منطقه‌ای و سطوح ملی و فراملی؛
- نقش «کاربردهای» حکمرانی در سطوح مختلف دولت که در محیط‌های سازمانی و



---

فضاهای خدمات عمومی مختلف با در نظر گرفتن نقش ترکیب برنامه‌های تحقیقاتی نظری، مفهومی و تجربی صورت می‌گیرد.

- پارادایم‌های رهبری و سلسله‌مراتب ساختار قدرت در مقابل تنظیمات نهادی مبتنی بر شبکه در حوزه حکمرانی و همچنین انعطاف‌پذیری سیاست‌های حکمرانی در عصر کنونی از مشکلات پیچیده پیوند و چالش‌های شدید حکمرانی سیستماتیک (مانند اینترنت اشیا، فناوری، دیجیتالی شدن و روباتیک) است (ویرتانن، کی و-اوجا، ۲۰۱۵).





## ۶. منابع

- Aminuzzaman, S.M (۲۰۱۰), "Governance and Development Discourse" in *Bangladesh: A Diagnostic Assessment of Challenges and Concerns*, In: Vartola J, Ismo L. ۷۰(۳), ۳۸۷-۳۹۴.
- Asaduzzaman, M (۲۰۱۰), *Towards Good Governance in South-Asia*, Tampere University Press, Tampere, ۱۹-۲۴.
- Bourgon, J (۲۰۱۱), "Responsive, Responsible and Respected Government: Towards a New Public Administration theory", *Int Revi Adm Sci*, ۷۳(۱), ۷-۲۶.
- Farazmand, A (۲۰۰۲), "Privatization and Globalization: A Critical Analysis with Implications of Public Management Education Training", *Int Rev Adm Sci* ۶۸(۳): ۳۰۵-۳۷۱.
- Farazmand, A (۲۰۱۲), "Sound Governance: Engaging Citizens through Collaborative Organizations", *Public Org Rev*, ۱۲, ۲۲۳-۲۴۱.
- Farazmand, A (۲۰۱۳), "Governance in the Age of Globalization: Challenges and Opportunities for South and Southeast Asia", *Public Org Rev* ۱۳, ۳۴۹-۳۶۳.
- Gilly, Go (۲۰۰۶), "Determinants of the Government, the Results of the Survey of ۷۰ Countries", *Publication of Political Science between International*, vol. ۲۷-۷۱ ۰۷.
- Haque, M.S (۱۹۹۶), "The Contextless Nature of Public Administration in Third World Countries", *Int Rev Adm Sci*, ۶۲(۳), ۳۱۵-۳۲۹.
- Haque, S (۲۰۱۱), "The Normative Roots of Governance Theories: Prospects and Challenger from Bangladesh Perspective", *Your ChatGPT AI Assistant Anywhere*, ۱(۴۰), ۳-۵.
- Heady, K.R (۲۰۱۶), "Towards Good Governance and Sustainable Development: The African Peer Review Mechanism", *Int J Policy Adm Inst* ۱۸(۲), ۲۸۳-۳۱۱.
- Helliwell, John et al (۲۰۱۸), "Empirical Links between Good Governance and National Health", *Economics Comparative*, ۲۱ (۲), ۱۲۱-۱۳۰.
- Holmberg, S & Nasiri Tousi, N (۲۰۱۹), "Achievements of the Annual Review of

- Political Science (Quality Government)", ۱۳۱-۱۱۱, ۱۰.
- Jamil, I (۱۹۹۸a) Good governance: tensions between tradition and modernity in Bangladesh Public Administration. *Asian Profile*, ۲۶(۵), ۳۹۹-۴۳۰.
- Jamil, I (۱۹۹۸b), "Transational Friction between NGOs and Public Agencies in Bangladesh: Culture or Dependency?", *Contem South Asia*, ۷(۱), ۴۳-۶۹.
- Jreisat, J (۲۰۰۴), "Governance in a Globalizing World", *Int J Public Adm* ۲۷(۱۳&۱۴), ۱۰۰۳-۱۰۲۹.
- Mongio, Pipidi, A (۲۰۱۵), "Corruption, Good Governance Empowers Innovation", *Nature*, ۱۱۱, ۷۱۳۹, ۰۹۷-۰۹۱.
- Richards, D., & Smith, M (۲۰۰۲), *Governance and Public Policy*, Oxford University Press, Oxford.
- Roby, N., & John, T (۲۰۱۰), "The Quality of Government Peace? Returning the Government to the Study of Conflicts Armed Intergovernmental", *For Delivery at the 0111 Annual Meeting of the American Political Science Association*.
- Rothstein, B., & Aisha, W (۲۰۱۷), *Making Sense of Corruption*, New York: Cambridge University Press.
- Schillemans, T (۲۰۱۱), "Does Horizontal Accountability Work? Evaluating Potential Remedies for the Accountability Deficit of Agencies", *Adm Soc*, ۴۳(۳), ۳۸۷-۴۱۶.
- Tiihonen, S (۲۰۰۴), *From Governing to Governance*, Tampere University Press, Tampere.
- Tuurnas, S (۲۰۱۶), The Professional Side of Co-production, *Acta Universitatis Tamperensis* ۲۱۶۳, University Press, Tampere.
- UNDP (۲۰۰۲), *Human Development Report, Deepening Democracy in Fragmented World*, Oxford University Press, New York (on line collection).
- UNDP, (۱۹۹۷), Good Governance and Sustainable Human Development, a UNDP Policy Documents.
- Vartola, J., & et al (۲۰۱۰), "Towards Good Governance in South Asia: An Introduction", In: Vartola J, Lumijarvi I, Asaduzzaman M (eds), *Towards Good Governance in South Asia*, University of Tampere Press, Finland.
- Virtanen, P., & Kaivo-oja, J (۲۰۱۵), "Public Services and Emergent Systemic Societal Callenges", *Int J Public Leadersh*, ۱۱(۲), ۷۷-۹۱.
- Virtanen, P., Kaivo-oja, J., Ishino, Y., Stenvall, J., & Jalonen, H (۲۰۱۶), "Ubiquitous Revolution, Customer Needs and Business Intelligence, Empirical Evidence from Japanese Healthcare Sector", *Int J Web Eng Technol*, Forthcoming, Accepted to be



---

Published.

White, H., & Killick, T (۲۰۰۱), African Poverty at the Millennium: Causes, Complexities and Challenges, World Bank, Washington, DC.

World Bank (۱۹۹۷), “World Development Report ۱۹۹۷”,  
[http // www.decentralization.ws/srcbook/overview.pdf](http://www.decentralization.ws/srcbook/overview.pdf), Decentralization: an overview.  
Accessed ۶ Apr ۲۰۱۵.

